

تحولات اجرای حقوق بشر دوستانه در جنگ‌های دریایی

دکتر پیمان حکیم‌زاده خونی
دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

صفیه طلائی
کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰.۰۲.۱۹ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰.۰۸.۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰.۱۲.۰۲۸

چکیده

با توسعه حقوق بین‌الملل بر مبنای فردگرایی و حمایت بیشتر از افراد، مفهوم حقوق بشردوستانه در جهت احترام به کرامت والای بشر در میان مخاصمه و حتی بعد از آن، گسترش یافت. می‌بایست کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در حوزه‌های مختلف حقوق انسانی، حقوق جنگ و .. و ضمانت و بستر اجرایی مشخص و مدون پیدا کنند و نواقص و خلاهای قانونی و اجرایی در این کنوانسیون‌ها مشخص شوند و با ساز و کارهای بین‌المللی و توسط مراجع ذیصلاح مرتفع گردند. در جنگ دریایی از ابزار و شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود و حقوق بشر دوستانه به محدود کردن آثار ناشی از جنگ می‌پردازد و به دلایل انسان دوستانه حق طرف‌های مخاصمه را در انتخاب و استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی محدود می‌کند. امروزه حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی به بعد انسانی بیشتر توجه دارد. در مقاله حاضر سعی بر این است با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای، تحولات اجرای حقوق بشردوستانه در جنگ دریایی را مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: جنگ دریایی، حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، تحولات.

Developments in the implementation of humanitarian rights in naval wars

Abstract

With the development of international law based on individualism and greater protection of individuals, the concept of humanitarian law was expanded to respect the high dignity of human beings during and after the conflict. International conventions in the various fields of human rights, war law, etc., and guarantees and executive framework should be found and codified, and legal and executive gaps and gaps in these conventions should be identified and by international mechanisms and by competent authorities. In naval warfare, special tools and methods are used, and humanitarian law restricts the effects of war, and for humanitarian reasons, the parties to the conflict have the right to choose and use the tools and methods of warfare. Restricts. Today, humanitarian law pays more attention to the human dimension in naval conflict. In the present article, we try to examine the developments in the implementation of humanitarian law in the naval war through a descriptive-analytical method and a library study.

Keywords: Naval warfare, armed conflict law, human rights, humanitarian law, developments.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

جنگ دریایی بخش مهمی از جنگ‌های معاصر به ویژه در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و حقوق جنگ دریایی از عرصه‌های حقوق بین‌الملل است که به لحاظ ماهیت قواعد و نوع منافع و مصالح مربوطه از اهمیت بسزایی برای جامعه جهانی برخوردار است که در این راستا بررسی تحولات اجرای حقوق بشردوستانه حائز اهمیت می‌باشد. در جنگ دریایی از شیوه‌ها و وسائل خاصی استفاده می‌شود که از نظر حقوق بین‌الملل بعضاً مشروع و بعضاً نامشروع است. محدود کردن ابزارها و روش‌های جنگی، به معنی تعادل برقرار کردن بین ضرورت نظامی و آسیب‌های وارد آمده به وسیله برپایی جنگ در جهت حمایت از افراد غیر رزمنده است. این را می‌توان در مقدمه معاهده لاهه ۱۹۸۸ در مورد جنگ زمینی دید. بیشتر منابع حقوق بشردوستانه حاکم بر جنگ دریایی محصول سال‌های ابتدایی قرن بیستم بود که بایجاد شیوه‌های جدید جنگ دریایی دیگر نمی‌توانست باعث پیشرفت فناوری در ابزارهای جنگ دریایی شود و به همین دلیل نیاز به توسعه و تدوین مقررات جدید داشت. حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در طول تاریخ تحت تاثیر عقاید مذهبی و نظریات فلسفی بوده است. قواعد عرفی از نخستین قواعد حقوق بین‌الملل هستند که با وجود این تحولات از نخستین قواعد حقوق عرفی تا اولین اصول بشردوستانه مکتوب مربوط به هدایت جنگ، با موانع زیادی روبه رو بوده است بنابراین بیشتر قواعد جنگ دریایی، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشند. موسسه بین‌المللی حقوق بشر دوستانه در قالب طرحی، به بررسی حقوق جنگ دریایی پرداخته است که در رابطه با قواعد قابل اعمال در جنگ‌های دریایی معاصر می‌باشد.

حقوق بشردوستانه به محدود کردن آثار ناشی از جنگ می‌پردازد و به دلایل انسان‌دوستانه، حق طرف‌های محاصره را در انتخاب و استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی محدود می‌کند که در نتیجه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و روش‌ها و ابزارهای جنگ دریایی قابلیت اعمال خواهد داشت. با بررسی قواعد عرفی و بخشی از حقوق بین‌الملل نرم و به رغم نبود هنجارهای نوظهور معاهده در این زمینه‌هایی به ذهن متبادر می‌شود که آیا حقوق بشردوستانه حاکم بر جنگ دریایی تغییر و تحولاتی را تجربه کرده است و یا توسعه‌هایی را از سر گذرانده است، اگر جواب مثبت است این تغییر و تحولات اجرای حقوق بشردوستانه چه تاثیری بر حقوق بین‌الملل معاصر گذاشته است؟ حقوق جنگ دریایی مانند حقوق جنگ زمینی از مقررات حقوق قراردادی برخوردار نبوده است اما حقوق عرفی مربوط به این موضوع قبلاً ایجاد شده بود. یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، تحریم جنگ و منع توسل به زور می‌باشد که جنگ و توسل به زور امروزه عامل

مخرب روابط بین‌الملل و در نتیجه ناقض مقررات حقوق بین‌الملل و حقوق بشر می‌باشد چرا که نادیده گرفتن کرامت انسانی است.

شیوه‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

جنگ در دریا شرایط سختی دارد و این شرایط به دور از استفاده از تکنیک‌ها، نیازمند قوانین جدیدتری می‌باشد. اغلب این قواعد جنگ دریایی با قواعد دیگر جنگ‌ها مشترک هستند اما قواعد جنگ دریایی پیچیده‌تر از دیگر جنگ‌ها می‌باشند. ممنوعیت اصول حقوق بین‌الملل که در حقوق مخاصمات مسلحانه در قالب حقوق بشردوستانه تدوین شده است شامل دو اصل اساسی می‌باشد از جمله ممنوعیت کاربرد سلاح‌ها و روش‌هایی که آسیب غیر ضروری و رنج بیهوده دارند و ممنوعیت کاربرد روش‌ها و ادوات نظامی که به طور مستقیم قادر به تفکیک اهداف و اموال غیرنظامی نیستند. محدود کردن ابزارها و روش‌های جنگی، به مفهوم تعادل برقرار کردن بین ضرورت نظامی و آسیب‌های وارد آمده به وسیله برپایی جنگ به علت حمایت از افراد غیر رزمنده است. همچنین، در جنگ دریایی از ابزار و شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود. حقوق بشردوستانه به محدود کردن آثار ناشی از جنگ پرداخته و به جهت انسان دوستانه حق طرف‌های مخاصمه را در انتخاب و استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی محدود می‌نماید (سیفی و مجدفر، ۱۳۹۹: ۳۹).

ایضاً اینکه، گسترش تجهیزات دریایی و پیشرفت فن‌آوری در دریا، پس از جنگ‌های جهانی نشانگر این است که روش‌های جنگ دریایی در مخاصمات آینده همانند قبل، نقش اساسی خواهند داشت. رعایت قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی با توجه به شرایط جوی و محیطی از اهمیت به خصوصی نسبت به زمین برخوردارند. حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی به کارگیری روش‌های جنگ دریایی را مشروع قلمداد می‌نماید و آن‌ها را مکلف به رعایت قواعد بشردوستانه، حقوق بی‌طرفی و حقوق دریاها می‌نماید و محدودیت‌های مبتنی بر ملاحظات بشردوستانه، اصل ضرورت، اصل تناسب و تفکیک بر آن‌ها قابل اعمال می‌باشد (سیفی و مجدفر، ۱۳۹۹: ۵۳).

حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هر دو به جهت حمایت از حقوق انسانی و مکلف ساختن دولت‌ها به رعایت منزلت و شأن انسانی تدوین شده‌اند و مکمل همدیگر در این راستا می‌باشند. پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو، قواعدی را مقرر ساخته است که هم به صورت عرف درآمده

و هم در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی قابل اجرا می‌باشد از جمله شامل اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان و اموال و اهداف نظامی، ممنوعیت حمله کورکورانه، اصل تناسب در حمله درباره تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶، در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، چنین مقرر داشت که اصل تفکیک، یکی از اصول اساسی حقوق بشر دوستانه و یکی از اصول غیرقابل تخطی در حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد. به همین جهت، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز، حمله علیه غیرنظامیان را که در جریان منازعات مختلف در هر دو حوزه درگیری‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی مورد ادعا قرار گرفته، محکوم نموده و خاتمه حملات را درخواست کرده است. همچنین، در قطعنامه ۱۲۹۵ مصوب سال ۲۰۰۰، پیرامون حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، درباره حمایت از غیرنظامیان در درگیری-های مسلحانه، شورای امنیت سازمان ملل متحد، دوباره موضوع حمله عمدی به افراد غیرنظامی را در موقعیت‌های جنگی مورد محکومیت شدید قرار داد. مضاف بر اینکه، غیرنظامیانی که در مخاصمات شرکت ندارند، بایستی مورد احترام و حمایت قرار بگیرند، آن‌ها حق دارند که شخصیت، شرافت، حقوق خانوادگی، اعتقادات مذهبی و عادات و رسومشان مورد احترام قرار گیرد، حمایت از غیرنظامیان و احترام به کرامت آن‌ها، قسمتی از حقوق بین‌الملل عرفی لازم‌الاجرا را بوجود می‌آورند و طبق کنوانسیون چهارم ژنو، تعهد به احترام به اشخاص، مشتمل بر تعهد به حمایت و احترام به تمامیت جسمی، ذهنی و یا معنوی آن‌ها است و هرگونه فشار جسمی یا اخلاقی برای به دست آوردن اطلاعات از غیرنظامیان ممنوع است. به همین جهت، شکنجه افراد از هر جنبه‌ای، ممنوع و بعنوان نقض کنوانسیون‌ها یا یک جنایت جنگی قابل مجازات می‌باشد (محمدرضائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸۴-۲۷۶).

حقوق اسیران جنگی در اسناد بین‌المللی

یکی از جنبه‌های بارز حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که نسبت به دیگر مقررات مربوط از قدرت اجرایی بیشتری را دارا می‌باشند، قواعد حاکم بر رفتار با اسیران جنگی است. در دوران باستان و قرون وسطی، اسیر جنگی به معنای امروزی نبود و به طور کلی شکست خوردگان در جنگ، محکوم به قتل یا بردگی بودند. بردگی اسیران جنگی چنین بود که آنان از لحاظ جانی و مالی در اختیار شخص اسیر کننده یا مقامات نظامی کشور اسیر کننده قرار داشتند و قادر بودند هرطور که بخواهند با آنان رفتار نمایند. قواعد و مقررات حقوقی حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا مدت‌ها جنبه عرفی داشت، اما در حال حاضر تابع نظامی می‌باشد که به سبب اسناد بین‌المللی

مهمی معین شده است که از جمله مهمترین اسناد بین‌المللی در ارتباط با آن اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴ (مواد ۲۳ و ۲۴)، عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در زمینه بهبود سرنوشت اسیران جنگی، عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ درباره رفتار با اسیران جنگی می‌باشد.

وضعیت حقوقی اسیران جنگی به این شکل است که آنان از ابتدای دستگیری، ضمن پیروی از قوانین و مقررات و دستورات فرامین کشور اسیر کننده وضعیت حقوقی ویژه‌ای را دارند که در هیچ حالتی نمی‌توانند از حقوقی که عهدنامه سوم به آنان داده سرپیچی نمایند که از جمله رفتار انسانی نسبت به اسیران، حفظ و نگهداری اسیران، اعلام مشخصات اسیران، ممنوعیت کشورها از اجبار اسیران به دادن اطلاعات، اعلام اسارت به کشور متبوع اسیران، شرایط زندگی در اردوگاه-های اسیران، اشتغال به کار اسیران، مصونیت اموال شخصی اسیران و دیگر موارد می‌باشند. مضاف براینکه، مطابق مقررات مذکور، اصولاً برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن می‌باشد. لذا بعضی از غیرنظامیان نیز می‌توانند از این وضعیت برخوردار شوند از جمله خدمه کشتی‌های بازرگانی یا ناوهای هوایی غیرنظامی، خبرنگاران جنگی و بالاخره مددکاران بهداری و مذهبی. علاوه بر آن، زمانی که اسیر جنگی در سرزمین دشمن فوت کند یا طبق معامله متقابل، با اسیر جنگی کشور طرف مخاصمه مبادله شود یا فرار نماید و از چارچوب کشور اسیر کننده خارج گردد یا بر اثر جراحت و بیماری شدید آزاد شود، اسارت پایان یافته است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۷: ۱۷۸-۱۶۲).

حقوق مجروحان جنگی و مصدومان دریایی

در ایام قدیم، اعمال مراقبت‌های پزشکی نسبت به مجروحان و بیماران جنگی به جهت عهدنامه-های ویژه‌ای انجام می‌گرفت که در جریان هر جنگ از سوی فرماندهان نظامی طرفین همان جنگ منعقد می‌گردید. نخستین قرارداد بین‌المللی درباره بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران جنگی عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ می‌باشد که تأسیس صلیب سرخ جهانی در آن مقرر شده است. همچنین، طبق ماده ۸ پروتکل شماره ۱ عهدنامه ژنو، مجروحان و بیماران شامل افراد نظامی و غیرنظامی می‌شود که به جهت جراحات، بیماری یا ناتوانی‌های دیگر یا اختلالات جسمانی یا روانی نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارند و از هرگونه عمل خصمانه‌ای ممانعت می‌نمایند. اصطلاح مصدوم دریایی نیز شامل افراد نظامی و غیرنظامی می‌شود که در دریا یا دیگر آب‌ها در یک وضعیت خطرناک قرار دارند و دچار مصیبت و بلا می‌شوند، یا کشتی یا هواناوی که آنان را حمل می‌کند صدمه ببیند که از هرگونه عمل خصمانه‌ای ممانعت نمایند که این افراد در هنگام نجات تا کسب

یک وضعیت دیگر بعنوان مصدم دریایی شناخته می‌شوند. علاوه بر آن، اعضای نیروهای مسلح و دیگر اشخاصی که هنگام مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی، مجروح یا بیمار و یا مصدوم دریایی می‌شوند می‌بایست در هر شرایطی از تعرض مصون بمانند. همچنین، با قربانیان گفته شده در هر شرایطی باید رفتار انسانی داشت و رها ساختن عمدی بدون امداد پزشکی، هرگونه تبعیض در درمان، سستی و عدم استفاده از امکانات موجود برای مراقبت ممنوع می‌باشد. نهایتاً اینکه، معاهدات بین‌المللی حمایت‌کننده، کشورهای متخاصم را مکلف به قبول، مراقبت و درمان مجروحان، بیماران جنگی و مصدومین دریایی نموده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۷: ۱۷۸-۱۸۱).

تشخیص نظامیان و غیرنظامیان در کشتی‌های متخاصم و غیرمتخاصم

یکی از اصطلاحاتی که در نظام حقوق بشر دوستانه وجود دارد اصل تمایز یا تفکیک است که به این مفهوم می‌باشد که نظامیان بایستی در تمامی زمان‌ها بین جمعیت غیرنظامی و نظامیان دشمن و بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و بدین جهت، هرگونه حمله خود را فقط متوجه نظامین و اهداف نظامی نموده و از هر گونه حمله علیه غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی ممانعت ورزند و آن‌ها را مورد تعرض قرار ندهند. در نظام حقوق بشر دوستانه، اصل تمایز بعنوان یکی از مهمترین اصول حمایتی حاکم بر حقوق بشر دوستانه مورد شناسایی قرار گرفته است. یکی از اصول انسانی حاکم بر جنگ آن است که بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک به عمل آمده و افراد و جمعیت غیرنظامی مورد تهاجم قرار نگیرند. تمایز بین افراد نظامی و افراد عادی مسئله‌ای قدیمی در تاریخ جنگ‌ها نبوده و تا قرون وسطی، در جنگ‌ها، تمامی ساکنان کشور دشمن، مانند هم بوده و با همه به یک مدل رفتار می‌شد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۹۲).

تعهدات دولت‌ها نسبت به رعایت حقوق بشر دوستانه در هزاره سوم

از آنجا که زمینه اعمال قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در پهنه جنگ‌هایی امکان‌پذیر است که چهره خود را با پیشرفت فنون رزمی و شیوه‌های نبرد مختلف پیدا می‌کند، گاه قواعد این رژیم از جمله ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو نیز ناچاراً دستخوش تغییراتی می‌گردد که آن‌ها را از مبادی اولیه متمایز می‌سازد. براساس ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های اول و سوم الحاقی، دولت‌های متعهد ملزم به رعایت و تضمین رعایت مقررات مندرج در آن‌ها می‌باشند. با وجود استقبال از این تعهد در بعضی از اسناد حقوق بشری، به اقتضای ضرورت و

واقعیت روابط بین‌المللی، تفاوت‌هایی نیز در اسناد حقوق بشری و اسناد حقوق بشر دوستانه به چشم می‌خورد. همچنین، براساس ماده ۲۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات، دولت‌ها متعهد هستند تعهدات خود را با حسن نیت به انجام برسانند. این قاعده بنیادین، پایه اصلی حقوق بشر دوستانه یعنی رعایت و تضمین رعایت قرار گرفته که در ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ و سپس با الگو برداری از آن در اسناد مهم حقوق بشری اعم از میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ مذکور افتاده است به همین جهت، زمانی که دولت‌ها خود را در برابر معاهده‌ای متعهد می‌نمایند فرض بر آن است که قصد اجرای آن را نیز دارند و تصمیمی مبنی بر نقض مفاد آن را ندارند. به دیگر سخن، دولت‌های عضو کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل‌های الحاقی نیز ملتزم به لوازم و آثار تعهد خود علی‌الخصوص در پهنه اجرای اسناد مزبور به طور عام و ماده یک مشترک به طور خاص هستند (باقر زاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۲۷). در نتیجه، در فضای امروز جامعه بین‌المللی، دولت‌ها نه فقط به واسطه تعهد معاهداتی بلکه به موجب تعهدی عرفی نیز به رعایت موازین حقوق بشر دوستانه مکلف بوده و از این جهت مخاصمات بین‌المللی تحت پوشش این تعهدات قرار می‌گیرند (باقر زاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه و تحول حقوق بشر دوستانه

دیوان بین‌المللی دادگستری بعنوان مهمترین رکن قضایی ملل متحد، نقش بسیار مهمی در توسعه-ی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه دارد. این دیوان به حقوق لاهه در ارتباط با قواعد حاکم بین دولت‌ها در راستای استفاده از زور یا حقوق و عرف جنگی که به طور سنتی نامیده می‌شود توجه نموده است و حقوق ژنو در ارتباط با حمایت از اشخاص از تاثیرات مخاصمات مسلحانه که اکنون به یکدیگر وصل هستند و بعنوان یک سیستم پیچیده مجزا که در حال حاضر بعنوان حقوق بین‌الملل بشر دوستانه یاد می‌شود است، ایجاد شده‌اند. دیوان به تفصیل در دو نظر مشورتی خود در قضایای مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶ و مشروعیت ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین ۲۰۰۴ و رأی توافقی خود در قضیه فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو ۲۰۰۵ به موضوعات حقوق بشر دوستانه پرداخته است (رضوی فرد و نوروزی، ۱۳۹۶: ۳-۴).

در راستای توسعه دادگاه‌های بین‌المللی و خطر افزایش تعارض صلاحیت دادگاه‌ها، پیشنهاد معتبر در این است که استفاده از عملکرد مشورتی بعنوان یک ابزار صحیح در جهت تفسیر حقوق بین‌الملل ضروری می‌باشد. دیوان در نبود نهاد رسمی مستقل قانونگذاری در روابط بین‌المللی، گاه

به عنوان کارگزار توسعه حقوق بین‌الملل عمل نموده است. همچنین، توجه به استناد بیشتر به آراء ترافیعی و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نقش بسیار مهمی می‌تواند درباره رفع ابهامات و گسترش حقوق بین‌الملل ایفا نماید (رضوی فرد و نوروزی، ۱۳۹۶: ۱۳).

نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تضمین حقوق بشر دوستانه

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در قلب نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر قرار گرفته و موتور محرک و مرکز ثقل فعالیت‌های بشر دوستانه می‌باشد که در ترسیم الفبای حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و ایجاد ادبیات حقوقی، تدوین و توسعه قواعد حمایتی، نقشی مثبت ایفا نموده است. به طور کلی، از دیدگاه کمیته طیف قربانیان دو دسته می‌باشند که از جمله قربانیان بالقوه که در عرصه دیپلماتیک مورد توجه هستند و قربانیان بالفعل که در میدان جنگ مورد حمایت می‌باشند. آن‌ها، فرد یا گروهی از افراد انسانی هستند که در اثر خشونت ناشی از جنگ و نقض حقوق بشر دوستانه، آسیب پذیرند و باید از گزند و آثار تخریبی جنگ محفوظ بمانند. در عرصه دیپلماتیک، کمیته با استفاده از تجاربی که دارد، به تشویق برگزاری کنفرانس‌های دیپلماتیک متشکل از نمایندگان کشورها، انجام کارهای مقدماتی، تهیه پیش نویس اسناد، کمک می‌نماید، دیپلماسی بشر دوستانه کمیته، ابزاری پویا به جهت رسیدن به اهدافش، علی‌الخصوص در مخاصمات غیر بین‌المللی است. این دیپلماسی فعال، علاوه بر کاربرد در عرصه دیپلماتیک، شامل مذاکره، مکاتبه با مقامات مسئول، بین کمیته و افرادی که قربانیان را تحت اقتدار خود دارند می‌باشد تا جایی که مقام کمیته را به عنوان یک میانجی بی طرف نزد افکار عمومی جامعه معرفی نموده است. مضاف براینکه، تفاسیر کمیته از مقررات موجود، نظارت بر حسن اجرای مقررات بشر دوستانه، ترغیب و تشویق دولت‌ها به التزام عملی به معاهدات، ترویج و آموزش قواعد به عامه مردم یا گروه‌های خاص مانند نظامیان، ارباب رسانه‌ها، دانشگاهیان و جوانان بشر دوستی و استقلال آن را تقویت نموده و آن را جهان شمول نموده است (مروت، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

جایگاه حقوق بشر دوستانه در دوران معاصر

موارد مهمی وجود دارد که حقوق بین‌المللی بشر دوستانه در حمایت از غیرنظامیان، زندانیان، بیماران و مجروحان و محدود کردن استفاده از سلاح‌هایی که باعث صدمه جدی و غیرقابل جبران می‌شود، تفاوت بارزی ایجاد کرده است. مطابق ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو «طرف‌های معظم متعهد متعهد به رعایت و تضمین رعایت کنوانسیون حاضر در تمامی شرایط می‌گردند»، بنابراین

کشورها موظف هستند برای اطمینان از رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه اقدامات لازم را انجام دهند. کشورها مکلفند که این دسته قوانین را به نیروهای مسلح و عموم مردم آموزش دهند. آنها باید از اعمال خشونت منع شوند یا در صورت اعمال آن، مجازات شوند. کشورها همچنین، باید مجازاتی را برای نقض کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، که به عنوان جرایم جنگی در نظر گرفته می‌شوند، تصویب کنند.

کشورها همچنین باید قوانینی را برای محافظت از نشان‌های صلیب سرخ و هلال احمر تصویب کنند. در دوران معاصر، اقداماتی نیز در سطح بین‌المللی انجام شده‌است.

برای مثال دادگاه‌هایی برای مجازات اعمال مرتکب شده در دو مخاصمه (جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی و رواندا) ایجاد شده‌اند.

یک دیوان کیفری بین‌المللی نیز، با مسئولیت مجازات جرایم جنگی، نسل‌کشی مصداق جنایات علیه بشریت و تجاوز توسط اساسنامه ۱۹۹۸ رم ایجاد شده‌است. علاوه بر این، نهادهای ذیربط دولت‌ها، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر، سازمان‌های غیردولتی بشردوستانه، شورای امنیت سازمان ملل متحد و محاکم کیفری می‌باشد.

تغییر و تحولات در ساختار جامعه بین‌المللی

جامعه بین‌المللی مفهومی پویا می‌باشد که در سطح بین‌الملل تحول و توسعه پیدا می‌کند. مفهوم جامعه بین‌المللی در عرصه‌ی نظری و فکری از رویکرد «کانتی» تا «ونتی» در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل تغییراتی اساسی داشته‌است. امروزه، از طریق دسترسی آسان و سریع به اطلاعات و توسعه ارتباطات و حذف تدریجی مرزهای فکری و جغرافیایی، ضرورت درک دقیق‌تر مفهوم جامعه بین‌المللی اهمیت دوچندان پیدا می‌نماید و به جهت ایجاد آثار جدید حقوقی و بین‌المللی، کاربردی نوینی در عرصه جهانی و تعامل میان دولت‌ها و سازمان‌ها پیدا می‌نماید (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۵: ۲۱).

همچنین، اصطلاح جامعه بین‌الملل بیانگر این است که مناسبات میان دولت‌ها با معنا و دلالت هنجاری می‌باشد و دولت‌ها باهم نه فقط در راستای کشمکش بر سر قدرت بلکه در بستر ادعاهایی راجع به حقوق و تکالیف ارتباط برقرار می‌نمایند (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۵: ۳۵).

ساز و کارهای ملی و بین‌المللی در خصوص حقوق بشر دوستانه

یکی از مباحث مهم در حال حاضر که سبب نگرانی جامعه بشری در دهه اول قرن بیست و یکم است، نقض حقوق بشر در جهان، توسط دولت‌های گوناگون، نسبت به اتباع خود و سایر ملیت‌ها و اقوام می‌باشد. سازوکارهای مختلف بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل، برای ممانعت از نقض حقوق بشر یا کم نمودن دامنه آن، ایجاد شده است که از جمله تدوین و تصویب اسناد متعدد بین‌المللی، تبیین موازین و مفاهیم حقوق بشر، سوق دادن دولت‌ها به سمت تصویب آن اسناد، ایجاد التزام و تعهد قراردادی برای اجرای آن‌ها و تأسیس نهادهای مختلف نظارتی و اجرایی که تازه‌ترین آن‌ها شورای حقوق بشر و دیوان کیفری بین‌المللی است. جز دیوان کیفری بین‌المللی که قادر است تصمیمات اجرایی بازدارنده بگیرد، دیگر سازوکارهای نظارتی، از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نمی‌باشند (مهرپور، ۱۳۸۸: ۸).

جایگاه قاعده رعایت و تضمین رعایت حقوق بشر دوستانه در حقوق بین‌الملل معاصر

از آنجایی که اعمال قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در پهنه جنگ‌هایی ممکن است که چهره خود را با توسعه فنون رزمی و شیوه‌های نبرد مختلف می‌یابد، اغلب قواعد این رژیم از جمله ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو ناچاراً دچار تغییراتی شده‌اند که آن‌ها را از اصول اولیه متفاوت می‌سازد. همچنین، براساس ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های اول و سوم الحاقی، دولت‌های متعهد مکلف به رعایت و تضمین رعایت مقررات مندرج در آن‌ها می‌باشند که حقوق بین‌الملل معاصر آن را از قاعده‌های عرفی تلقی می‌نماید (باقر زاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

مضاف براینکه، بی‌شک نقض ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو از سمت کشورهای متعهد می‌تواند سبب طرح مسئولیت آنان در برابر خسارات وارد بر دیگر دولت‌های زیان دیده و حتی ثالث و نیز اشخاص قربانی شود. در حقوق بین‌الملل معاصر قسمت عمده محتوای ماده یک مشترک، به واسطه اسناد معاهداتی ذکر شده، عرف بین‌المللی و منبعث از اصول کلی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه واجد ویژگی تعهدات یک دولت در برابر جامعه بین‌المللی است. در نتیجه، در حال حاضر در حقوق بین‌الملل عرفی، قسمت عمده محتوای ماده یک مشترک بعنوان تعهد *Erga Omnes* به رسمیت شناخته شده است و از لحاظ عرفی، قاعده مندرج در ماده یک مشترک به ماهیت قریب و اتفاق مقررات حقوق بشر دوستانه، روزنه‌ای برای ورود به سلسه مراتب قواعد حقوق بین‌الملل پیدا نموده است (باقر زاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

تحولات حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی از ژنو تا سانرمو

حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی پس از انعقاد کنوانسیون دوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ برخلاف حقوق مخاصمات در خشکی، از بعد معاهده‌ای هیچ تحولی را تجربه ننموده است. هرچند قسمتی از مقررات پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و کل بخش چهارم آن پروتکل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه دریایی نیز است. حقوق بشر دوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی، از آنجا که بیشتر منابع آن محصول سال‌های ابتدایی قرن بیستم بود، با پیدایش ابزارها و شیوه‌های نوین جنگ دریایی دیگر قادر نبود همگام با پیشرفت فناوری در وسایل و ابزارهای جنگ دریایی گام بردارد و به همین جهت نیازمند توسعه و تدوین مقررات جدید است. کنوانسیون دوم از چهار کنوانسیون ژنو که در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ منعقد گردید، در مورد بهبود شرایط مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا بود. این کنوانسیون، در حقیقت جایگزین کنوانسیون دهم ۱۹۰۷ لاهه درباره رعایت کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو جنگ‌هایی دریایی است. همچنین، حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه دریایی، دیگر منحصر به کنوانسیون دوم ۱۹۴۹ ژنو نبوده و توسعه‌هایی را در قالب حقوق نرم و سخت تجربه نموده است.

حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر موضوع نشانگر آن است که نظام هنجاری مخاصمات مسلحانه دریایی در زمینه‌های گوناگونی مثل اصول بشر دوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه، نظام‌های حقوقی حاکم بر مناطق دریایی، حقوق محیط زیست دریایی، حقوق بی طرفی و دیگر موارد توسعه یافته و شاهد وجود هنجارهای الزام آور نوینی می‌باشد. مضاف بر اینکه، اصول راهنمای سانرمو، بدون داشتن منشأ پیدایش و ماهیت تدوین کنندگان آن در طی بیست و چند سال که از تدوین آن می‌گذرد، بیانگر این است که بدون اینکه گواه هنجارهای عرفی نوظهور بوده و در حقیقت تحولات پدید آمده را معرفی کرده است، خود نیز سر منشأ تحولاتی جدید می‌باشد. لذا با بیان روشن به حقوق عرفی کمک نموده و هم به اعتبار و جایگاه آن در رویه بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌هایی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، توانسته که به جایگاهی دست یابد که الگویی برای تدوین مقررات و قواعد، چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی باشد. علاوه بر آن، این اصول راهنما، تنها سند جامع بین‌المللی است که از سال ۱۹۱۳ به بعد درباره مخاصمات مسلحانه دریایی تدوین شده و توانسته به بعضی مقررات درباره جنگ دریایی داخلی کشورها، تاثیر گذارد. به دیگر سخن، این اصول طبق بیان برخی حقوقدانان، امتزاجی از حقوق معاهده‌ای، ملاحظات قضایی و حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد که در راستای آن می‌توان به ارزیابی متعادل از ماهیت عملکرد دولت‌ها دست یافت (حسینی آزاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱۸-۱۴۰۱).

تحولات ناظر بر فناوری‌های مین دریایی

مین‌ها در زیر شاخه بهترین سلاح‌های دریایی می‌باشند که به طور عمده در دسترس می‌باشند و بسیار موثر هستند. طبق دستورالعمل سان رمو «مین دریایی وسیله‌ای انفجاری می‌باشد که در آب، بستر یا زیربستر دریا به علت وارد ساختن خسارت یا غرق نمودن کشتی‌ها و یا جلوگیری از ورود کشتی‌ها به قلمروهای گوناگون دریایی ریخته و یا کاشته می‌شوند». به همین جهت، آن‌ها به عنوان یک سلاح مهم و با ارزش تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی در جنگ دریایی دارای اهمیت می‌باشند. به همین علت، جنگ مین، استفاده استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی از مین و اقدامات متقابل ضد مین است و جنگ مین دریایی، ترکیبی از ریختن مین‌ها با هدف غرق نمودن کشتی‌های دشمن یا جلوگیری از خطر یا خسارت به کشتی می‌باشد. مین‌های دریایی از هوا، سطح دریا و زیر دریا پرتاب می‌شوند و هنگام مخاصمه مسلحانه دریایی در نقش‌های متنوعی از جمله دفاع از بنادر و سواحل، محاصره دریایی، جنگ ضد کشتی و ضد زیر دریایی و جلوگیری از دسترسی دشمن به مناطق دریایی بکار گرفته می‌شود. علاوه بر مطالب مورد ذکر لازم به ذکر است که مین‌های دریایی دو نوع هستند که از جمله مین‌های تماسی و مین‌های نفوذی (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳).

اصول حقوق بشر دوستانه بر جنگ مین دریایی

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، قواعد بین‌المللی ایجاد شده از رهگذر معاهدات یا عرف‌های بین‌المللی است که حق طرف‌های مخاصمه را برای استفاده از شیوه‌ها یا وسایل جنگی محدود می‌نماید یا از دولت‌هایی که طرف مخاصمه نیستند و یا اشخاص و اهدافی که از مخاصمه تاثیر می‌پذیرند حمایت می‌شود. حقوق بشر دوستانه، دارای اصول بنیادین است و به جهت ماهیت خود قواعدی هستند که توسط تمامی دولت‌ها حتی دولت‌هایی که کنوانسیون متضمن آن قواعد را تنفیذ ننموده‌اند بایستی اعمال شود و طرفین مخاصمه مکلف به رعایت آن و حتی متضمن اجرای قواعد آن هستند. حقوق بشر دوستانه در هیچ وضعیتی قابل تعلیق نمی‌باشد و مسئولیت نقض حقوق بشر دوستانه علاوه بر کشورها، متوجه افراد نیز است. به همین جهت، دولت‌ها متعهد به عدم نقض قواعد آن در کلیه اوضاع و احوال هستند و ضرورت نظامی را نمی‌توان بعنوان مستمسکی برای تعلیق حقوق مخاصمات مسلحانه بیان نمود. علاوه بر آن، هیچ معاهده و مقررات خاصی که اصول کلی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی قابل اعمال بر جنگ زمینی را به جنگ دریایی محول سازد وجود ندارد. ممکن است مهمترین اصلی که وجود دارد این می‌باشد که در هر مخاصمه مسلحانه‌ای طرفین در انتخاب ابزار و روش‌های جنگی محدود می‌باشند. همچنین، در حال حاضر، بکارگیری

مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه بر اصول بنیادین از جمله اصل تفکیک، ضرورت نظامی، تناسب، محدودیت‌های عملیاتی و مقررات حقوقی بنیان نهاده شده است و در حقیقت، اصول بنیادین حقوق جنگ، برابر با جنگ زمینی، دریایی و هوایی اعمال می‌شوند (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۲).

تعهد دولت‌ها در برقراری امنیت منابع آبی و مدیریت آن در مخاصمات مسلحانه

با توسعه هرچه بیشتر جوامع و افزایش جمعیت، نیاز به مقادیر آب برای تأمین خواسته‌های آن‌ها افزایش می‌یابد و از طرفی منابع محدود موجود، قدرت پاسخگویی به تمامی نیازهای جدید را نداشته و احتمال دارد انواع گوناگون کاربری دولت‌ها در استفاده از آب‌های مشترک با یکدیگر دچار تعارض شود، به طوری که حصول توافق در تعیین اولویت استفاده از منابع آبی ممکن نباشد (فضائلی و رشیدی، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه ایجاد عمده سیلاب‌ها، به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی و حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک مانند سدها و آب بندها را ممنوع اعلام کرده و حقوق بین‌الملل کیفری ارتکاب چنین اعمالی را جنایت جنگی تلقی می‌نماید (Rome Statute of the international Court, ۱۹۹۸: Art. ۸).

مضافاً اینکه، آب در خلال مخاصمات مسلحانه نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است زیرا آب و تأسیسات آبی هم بعنوان قربانی، هدف حملات نظامی قرار می‌گیرد و هم طرفین مخاصمه می‌توانند از آب بعنوان تاکتیک و سلاح جنگی به شکل تخریب تأسیسات آبی، قطع لوله‌ها و کانال‌های آب رسانی، مسموم سازی و آلوده کردن آب، تغییر مسیر آب جهت اهداف نظامی و یا از بین بردن حداقل شرایط لازم برای بقا استفاده نمایند (کاپونترا و نانی، ۱۳۹۲: ۴۱۶-۴۱۵).

در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قواعد صریح و مستقیم‌اندکی به موضوع آب اشاره شده اما اصول و قواعد عام حقوق بشر دوستانه مثل اصل محدودیت روش‌ها و ابزار جنگ و نامحدود نبودن استفاده از سلاح‌های مخرب از جمله مواردی است که می‌تواند در این زمینه مورد بهره برداری قرار گیرد و طبق آن، استفاده‌های زیان بار از آب مانند انهدام سدها و یا تغییر مسیر رودخانه‌ها که سبب نقض اصول تفکیک، تناسب و ضرورت می‌شود ممنوع خواهد بود (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

همچنین، پس از پایان یافتن مخاصمات فعال نیز بازگشت به حاکمیت قانون و صلح پایدار مسئله‌ای مهم است که می‌تواند بر امنیت آبی تاثیرگذار باشد. در موضوع بازسازی، ارائه کمک بشر

دوستانه به مردم سرزمین‌های آسیب دیده از مهمترین ملزومات در حین و پس از مخاصمات مسلحانه است. این وظیفه نخست برعهده دولت حاکمی است که جنگ در سرزمین آن اتفاق افتاده و در صورت عدم توانایی، آن کشور موظف به پذیرفتن پیشنهاد کمک از سوی نهادهای بین‌المللی مربوطه مثل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و در مواردی دولت‌های ثالث است. از جمله نهادهای بین‌المللی که در امر بازسازی پس از مخاصمات، نقش مهمی در تأمین و تضمین دسترسی به آب در طول و پس از مخاصمات مسلحانه عهده‌دار است کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است (فضائلی و رشیدی، پیشین، ۲۱۶).

قاعده‌مندسازی ابزارها و روش‌های جنگ توسط حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که به قاعده‌مندسازی رفتار متخصصان در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. بخش قابل توجهی از قواعد حقوق بشر دوستانه را قواعد حاکم بر کاربرد ابزارها و روش‌های جنگی تشکیل می‌دهند. طبق حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، حق دولت‌ها در انتخاب و به کارگیری ابزارها و روش‌های جنگی نامحدود نمی‌باشد. در سال‌های اخیر، ابزارها و روش‌های جنگی نوینی پیدا شده‌اند که ویژگی‌های ذاتی یا روش به کارگیری آن‌ها در جبهه‌های نبرد، نگرانی‌های بشر دوستانه‌ای را سبب شده و قابلیت اعمال و نه اعتبار حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را آزمون نموده‌اند. همچنین، از آنجایی که سلاح نقش بسیار مهمی در مخاصمات مسلحانه دارد و ابزاری در راستای آسیب رساندن به افراد و اهداف نظامی دشمن به حساب می‌آید بخش قابل توجهی از قواعد حقوق بشر دوستانه را قواعد حاکم بر به کارگیری تسلیحات و روش‌های جنگی به وجود می‌آورند که به همین جهت، کنترل ابزار و روش‌های جنگی یکی از مهمترین مباحث حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به شمار می‌رود (شریفی طراز کوهی و صیاد نژاد، ۱۳۹۹: ۵۲۲-۵۵۱).

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه اصول و قواعد بنیادینی دارد که به دور از زمان و مکان، بر هر نوع ابزار و روش جنگی در مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شوند. همچنین، دولت‌ها، مکلف هستند از به کارگیری ابزار و روش‌هایی که قادر به تفکیک میان اهداف و اشخاص نظامی و غیرنظامی نیستند یا موجب ایراد درد و رنج بیش از حد و غیر لازم بر نظامیان دشمن می‌گردند، ممانعت ورزند. همانطور نیز بایستی از کاربرد ابزار و روش‌هایی که می‌توانند موجب ایجاد صدمات جانبی مانند تلفات انسانی و صدمه به اموال غیرنظامی شوند که با دستاوردهای نظامی مورد انتظار تناسب ندارند جلوگیری نمایند. بنابراین، در هر شرایطی، کاربرد ابزار و روش‌هایی که چه در گذشته تولید شده-

اند و چه ابزار و روش‌هایی که در آینده تولید خواهند شد، بایستی براساس قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه باشد. علاوه بر آن، قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه فقط کاربرد برخی از ابزار و روش‌های جنگی را هنگام مناصمات مسلحانه منع می‌کنند که این منع، کافی نیست و در صورتی که، دولت‌ها سلاحی را در اختیار داشته باشند احتمال به کارگیری آن سلاح توسط آن‌ها زیاد خواهد بود، اما زمانی که به واسطه رژیم چند جانبه‌ای مانند خلع سلاح و کنترل تسلیحات از تولید، ذخیره سازی، انتقال کاربرد سلاح خاصی منع شوند، ممنوعیت کاربرد آن سلاح هنگام جنگ، به منع در اختیار داشتن آن هنگام صلح خواهد شد (شریفی طراز کوهی و صیاد نژاد، ۱۳۹۹: ۵۷۲-۵۷۱).

منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جهت حمایت از حقوق بشر

از مصادیق جنایات جنگی که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بر آن اشاره شده به کارگیری تسلیحاتی است که ما بعنوان سلاح‌های کشتار جمعی آن را می‌شناسیم که شامل انواع سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی، بیولوژیکی است و دارای خصوصیتی مانند عدم تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و قدرت تخریب بالا می‌باشند. دیوان کیفری بین‌المللی کاربرد این نوع سلاح‌ها را مصداق جنایات جنگی و جزو صلاحیت رسیدگی خود تلقی نموده است. جنگ و درگیری با تمام ناملایمتی‌ها و قدرت تخریبی که بر بشریت وارد ساخته همچنان جزو سرنوشت زندگی بشریت می‌باشد. به همین جهت، در سطوح گوناگونی، سعی گردیده که قوانینی برای اجتناب، کاهش و کنترل آسیب ناشی از این بلایا به تصویب برسد. قوانینی که شیوه جنگ و ابزار به کار رفته در جنگ را تحت نظر قرار داده و به همین جهت ابزار و روش‌های جنگی محدود نماید و شامل شیوه‌هایی که تلفات غیرضروری ایجاد می‌کند، نشود. همچنین، سلاح‌های کشتار جمعی از جمله ابزارهای جنگی است که توسط قوانینی مختلفی مانند حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تحت نظر قرار گرفته است. حدود نیم قرن پس از محکمه نورنبرگ و دیگر دادگاه‌های نظامی بین‌المللی، در سال ۱۹۹۴، اولین بار اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که حاوی جنایات جنگی نیز بود، تهیه گردید (بهری خیاوی، ۱۳۹۷: ۹۸).

علاوه بر آن، سلاح‌های کشتار جمعی دارای قدرت بسیار بالایی است که سبب نابودی جانوران و محیط زیست و سازه‌های نظامی و غیرنظامی می‌شود و آثار مخرب بلند مدتی بر محیط زیست و جانداران دارد. عنایت به اسناد بین‌المللی به خصوص دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی ممنوع است. دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۸ اساسنامه خود

در بندهای ۱۸ الی ۲۰ به صراحت استفاده از گازهای مهلک، سمی یا دیگر گازها و تمامی مایعات و مواد و ابزار مشابه و همچنین سلاح‌ها و پرتابه‌هایی که سبب جراحت و درد اضافی می‌گردد و همچنین غیرقابل کنترل و ناقض قوانین بین‌المللی مخاصمات مسلحانه را جزو جنایات جنگی تلقی نموده و رسیدگی به آن را در صلاحیت دیوان می‌پندارد (بهری خیایوی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

الگو و اهداف فرماندهان جنگ‌های دریایی آینده

جنگ‌آینده و ترسیم تصویر روشنی از آن همواره دل‌نگرانی اصلی استراتژیست‌ها و تحلیلگران مسائل نظامی و استراتژیک بوده است. ماهیت جنگ همواره در حال تغییر و تحول بوده است. سرعت‌این تغییر در عصر حاضر از هر زمان دیگری بیشتر بوده است و با گذر زمان و پیشرفت فناوری صحنه‌های جنگ گسترده‌تر می‌گردند. مطالعه جنگ‌های آینده و توانمندی مقابله با آن در بخش شایستگی‌های نیروی انسانی را لازم تلقی می‌کند. نخستین قدم در راستای آمادگی دفاعی و حفظ اقتدار نظامی برای برخورد با حوادث و جنگ‌های احتمالی آینده، درک صحیح و فهم نحوه نگرش دشمنان به جنگ‌های احتمالی آینده و میزان تهدیدهای احتمالی علیه کشور است. همچنین، پیچیدگی‌های بسیار تحولات نظام بین‌الملل و تعاملات تنگاتنگ و نزدیک فعل و انفعالات سیاسی و فرایندهای نظامی، محیط جنگ‌های پیشرفته را از حاکمیت مطلق تاکتیک‌ها، رویه‌ها و روش‌های استراتژی نظامی خارج نموده و حوزه نفوذ و تأثیر عوامل تکنولوژیکی، اقتصادی، روانی، فرهنگی، سیاسی را در این محیط به شدت توسعه داده است. ایجاد اختلال در اطلاعات نظامی دیگران از روش ابزارهای رایانه‌ای و اینترنت، ایجاد آشفتگی و سردرگمی در فرآیند تصمیم‌گیری گروه‌های هدف، تلاش برای شکل دادن به افکار عمومی جامعه هدف، ایجاد اختلال در تجهیزات راداری، موشکی و پردازش و تحلیل اطلاعات از جمله مصادیق پیشرفت‌های انقلاب اطلاعاتی است که تحت عنوان فرآیندهای جنگ‌آینده اطلاعات بکار گرفته می‌شود (لطفی جلال آبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

مضاف براینکه، مهمترین ویژگی‌های مورد تأکید در جنگ‌آینده شامل عملیات دقیق، سریع و قاطع، انجام عملیات مرکب، استمرار عملیات و امثال آن، علم و فناوری در جنگ هستند. با توجه به اهمیتی که دریا دارد، روشن است که دریا گهواره جنگ و صلح است و مناقشات دریایی، یکی از قدیمی‌ترین انواع درگیری‌ها و جنگ‌ها بین دولت‌ها بوده و است. یکی از اقدامات مهم در راستای جلوگیری از غافلگیر شدن و افزایش توان غافلگیر کردن و توسعه و تقویت هوشمندی نیروی دریایی راهبردی، تعیین و اصلاح جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌های توسعه و آموزش فرماندهان و

مدیران و افزایش شایستگی‌های آنان در جنگ‌های آینده است (لطفی جلال آبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۴).

نظریه نسبیت گرایي حقوق بشر

یکی از مباحث بنیادین درباره حقوق بشر، جهانشمول و عام بودن حقوق بشر یا نسبی بودن آن است. دیدگاهی که از جهانشمول بودن این حقوق سخن می‌گوید، براین باور است که حقوق مصرح در اسناد حقوق بشر و علی‌الخصوص حقوق بشر نسل اول که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و بعضی اسناد منطقه‌ای منعکس گردیده، حقوقی عام و جهانشمول است (آقا بابایی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

همچنین، نظریات نسبی گرایي بیان می‌کند که نمی‌توان تمامی انسان‌ها را به پذیرش مفهوم یکسانی از حقوق بشر تشویق نمود. زیرا حقوق عبارت است از قاعده و رفتار اجتماعی که مولود جوامع بشری است. در هر کجا جامعه‌ای است، حقوق هم در آن جا وجود دارد، در نتیجه ارزش-های جوامع مختلف باهم برابر نیستند، بلکه هر جامعه‌ای باورها و عادات‌های مخصوص به خود را دارد. به همین جهت حقوق بشر بایستی طبق ویژگی‌های هر جامعه‌ای تنظیم شود، در نتیجه حقوق بشر جهان شمول وجود ندارد. باتوجه به اینکه حقوق بشر توانسته است تمام فرهنگ‌های موجود را در بر گیرد پس نمی‌تواند جهان شمول باشد. دیدگاه نسبی گرایي به این نکته اصرار دارد که آموزه‌های فرهنگی هر جامعه‌ای مختص به خود آن جامعه است و به آسانی نمی‌توان آن را تغییر داد پس به دیگر سخن، جامعه همیشه در اولویت قرار دارد اما در نظریه جهانشمولی برای فرد حقوق مسلم قائل می‌باشند. در حالی که در نسبی گرایي نه فقط برای فرد حقوقی قائل هستند بلکه حقوق همه انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. اعتقاد به نسبی گرایي در حقوق بشر احتمال دارد ناشی از تفاوت‌های منطقه‌ای فرهنگی، مذهبی، فلسفی یا حتی سیاسی باشد. مضافاً، طرفداران مکتب نسبی گرایي به تعدد و کثرت اعتقاد دارند، چون منشأ حقوق بشر را در فرهنگ‌های گوناگون جوامع جست و جو می‌کنند. در برابر این نظریه پیروان جهانشمولی قرار دارند که یک حقوق بشر فراگیر را برای همه جهان در نظر می‌گیرند. لذا، عدم تفکیک جهان شمولی در مبنای وجودی حقوق بشر و نسبیت آن در عرصه اجرا و تبلیغ جهانشمولی به سرعت بخشیدن به این روند کمک نموده است تا جایی که گاهی نوعی تضاد در متن اسناد به چشم می‌خورد (ذوالقدر و محمدزاده، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۳).

نتیجه‌گیری

امروزه با تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو به ویژه کنوانسیون دوم و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به ویژه پروتکل اول، با توجه به اینکه در برگیرنده قواعد عرفی می‌باشند و با کنوانسیون‌های لاهه نیز همپوشانی دارند، اکثریت کشورهای جهان نیز ملزم به رعایت آنها می‌باشند، تا حدودی نواقص قواعد گذشته آن هم به طور محدود، به ویژه در حمله به اهداف ساحلی جبران گردیده‌اند. اما این واقعیت را باید همواره در نظر داشت به قواعدی که هدفشان کنترل مخاصمات مسلحانه است به اندازه کافی عمل نمی‌شود و همواره مشکلات جدید ایجاد می‌شوند و این خود مستلزم روش‌های جدید و بحث‌های جدید در مورد متناسب و کافی بودن قواعد موجود و به کارگیری آنها مطابق با واقعیت‌های جدید می‌باشد.

هدف حقوق بشردوستانه کاهش درد و رنج انسان و تأمین شأن و کرامت والای انسان در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. در حقیقت به نظر می‌رسد که این هدف در میان درد و رنج جنگ‌های بی‌شمار محو شده است. به طور کلی نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه به دلیل ناکافی بودن قواعد آن نیست، بلکه به دلیل عدم تمایل به رعایت آنها، عدم وجود تسهیلات و اطمینان برای اجرای آنها در برخی از اوضاع و احوال است. لیکن با تمام این تفاسیر، به ویژه با تهیه راهنمای سان رمو به نظر می‌رسد که قواعد مربوط به جنگ دریایی، نیازمند به تدوین منسجم‌تری می‌باشد و باید در قالب معاهده‌ای الزام‌آور که در برگیرنده قواعد حقوق بشردوستانه باشد، تدوین شوند. اما تا تصویب معاهده‌ای الزام‌آور به نظر می‌رسد، بهترین راه حل تصدیق دوباره قواعد عرفی جنگ دریایی می‌باشد.

امروزه نیز، ایجاد و حفظ صلح و تأمین امنیت جهانی، در چارچوب اجتماع جهانی دولت‌ها جستجو می‌شود که مبتنی بر همکاری و یکپارچگی میان دولت‌هاست. این مهم در چارچوب موازین و سازوکارهایی دنبال می‌شود که از مهمترین و ضروری‌ترین وظایف انسان‌ها در آغاز هزاره جدید تلقی شده است. از این رو حقوق بین‌الملل ناظر بر مخاصمات مسلحانه دریایی بکارگیری روش‌های جنگ دریایی را مشروع قلمداد می‌نماید و آنها را ملزم به رعایت قواعد بشردوستانه، حقوق بیطرفی و حقوق دریاها می‌نماید و محدودیت‌های مبتنی بر ملاحظات بشردوستانه؛ اصل ضرورت، اصل تناسب و تفکیک بر آنها قابل اعمال می‌باشد.

نظام حقوقی بین‌المللی یک حرکت رو به جلو جهت توسعه و سازماندهی روابط و تعاملات بین‌المللی در سایه تدوین مقررات و کنوانسیون‌های موضوعی، را آغاز نموده است تا در آینده

شاهد فضایی باشیم که در آن همه کشورها به نحو یکسان از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود بین‌المللی جهت رشد و پیشرفت خود بهره‌مند گردند اما این فضا تحت تاثیر زیادی خواهی‌های بعضی از قدرت‌های جهانی و تاثیرگذار و مداخله مستقیم و غیر مستقیم آنها در تنظیم و تصویب مقررات و قوانین بین‌المللی با اما و اگرهایی روبه‌رو بوده است. کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود اعم از کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ حقوق بشر دوستانه ژنو، کنوانسیون‌های حقوق دریایی، توافقنامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی دوجانبه و چندجانبه، منشور ملل متحد، کنوانسیون‌ها و کمیته‌های حقوق بشر، دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی لاهه بستری را فراهم نموده‌اند تا صلح و امنیت پایدار بین‌المللی محقق شود اما در اجرا مشکلاتی توسط قدرت‌های استعماری که همواره منافع ملی خود را بر مصالح بین‌المللی ترجیح می‌دهند به وجود آمد و مسیر تحقق اهداف بین‌المللی را ناهموار کرد. لذا نیاز است جامعه بین‌المللی با عزم واحد بین‌المللی و مبنا قرار دادن کنوانسیون‌ها و مقررات مقبول و مشروع بین‌المللی اصلاحات لازم ساختاری و ماهوی حقوقی و قانونی را لحاظ نمایند و ترکیب ناعادلانه قدرت در نظام بین‌المللی فعلی را از بین ببرند و صلح و ثبات پایدار و امنیت فراگیر را در همه حوزه‌ها و علی‌الخصوص دریاها و منابع آبی برقرار کنند تا شاهد توسعه پایدار نظام بین‌المللی باشیم.

منابع فارسی

- الف- کتاب‌ها
- ۱- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۷)، حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- ۲- فهیمی، عزیزاله؛ مشهدی، علی (۱۳۹۵)، حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تهران: خرسندی
- ۳- کاپونترا، دانتِه آگوستو؛ مارسلا، آنی (۱۳۹۲)، اصول حقوق و مدیریت آب، ترجمه و تحقیق: محسن عبدالهی و اصلی عباسی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- ب- مقالات
- ۴- آقا بابایی، حسین (۱۳۹۰)، نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره ۱، صص ۲۰۶-۱۸۳
- ۵- باقرزاده، رضوان؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۴)، بنیان اجرای حقوق بشر دوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشر دوستانه، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال شانزدهم، شماره ۴۶، صص ۱۵۴-۱۲۵
- ۶- بهری خیابوی، بهمن (۱۳۹۷)، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از منظر دیوان بین‌المللی کیفری و اسلام، *مجله علمی پژوهش در فقه و حقوق*، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۰۶-۹۸
- ۷- حسینی آزاد، سیدعلی؛ آجلی لاهیجی، مهشید؛ زحمتکش، مجید (۱۳۹۹)، ژنو تا سانرمو: تحولات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۰، شماره ۴، صص ۱۴۲۱-۱۴۰۱
- ۸- ذوالقدر، مالک؛ محمدزاده وحید (۱۳۹۳)، حقوق بشر و جهان بینی‌ها و نسبی‌گرایی، *دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال سوم، شماره ۶، صص ۷۱-۶۱
- ۹- رضوی فرد، بهزاد؛ نوروزی، میثم (۱۳۹۶)، نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه و تحول حقوق بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، *اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران*، صص ۱۴-۱
- ۱۰- سیفی، بهزاد؛ شریفی طراز کوهی، حسین؛ روحانی، کارن؛ نصیری لاریعی، رضا (۱۳۹۶)، چالش‌های حقوق حاکم بر استفاده از مین در جنگ‌های دریایی در پرتو فناوری‌ها و روش‌های جدید، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۳۴، صص ۸۸-۴۹
- ۱۱- -----؛ مجدفر، سهراب (۱۳۹۹)، بررسی روش‌ها، فن‌آوری‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، *فصلنامه علمی علوم و فناوری دریا*، شماره ۹۳، صص ۵۵-۳۹
- ۱۲- شریفی طراز کوهی، حسین؛ صیاد نژاد، محمدحسین (۱۳۹۹)، اعمال اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بر تسلیحات کاملاً خودکار به عنوان ابزار نوین جنگی، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۰، شماره ۲، صص ۵۷۵-۵۵۱
- ۱۳- علیزاده، مسعود؛ رحمانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، ضرورت درک تحول مفهوم جامعه بین‌المللی در حقوق و روابط بین‌الملل، *مجله جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۴، صص ۳۹-۲۱
- ۱۴- فضائلی، مصطفی؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۸)، بررسی تعهد دولت‌ها نسبت به امنیت آب در حقوق بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات حقوقی*، دوره یازدهم، شماره ۲، صص ۲۲۴-۱۹۳
- ۱۵- فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۵)، جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۰۳-۸۱
- ۱۶- لطفی جلال آبادی، مصطفی؛ خیراندیش، مهدی؛ نادری، احسان؛ فرهادی، علی (۱۳۹۹)، الگوی شایستگی فرماندهان جنگ‌های دریایی آینده، *فصلنامه علمی آموزش علوم دریایی*، شماره ۲۲، صص ۲۱۸-۲۰۴
- ۱۷- محمد رضائی، علیرضا؛ مرادی، مریم؛ عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۹)، رویکرد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه برای حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و تبیین جامعه شناختی آن، *فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، سال سوم، شماره ۱، صص ۲۹۰-۲۷۶
- ۱۸- مروت، مجتبی (۱۳۹۰)، نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمایت از قربانیان جنگی، *فصلنامه پژوهش حقوق*، سال سیزدهم، شماره ۳۲، صص ۳۶۶-۳۲۹

- ۱۹- مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، سازوکارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آن‌ها در نقض حقوق بشر، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۴، صص ۴۲-۷

- منابع انگلیسی

۲۰- Rome Statute of the International Criminal Court (۱۹۹۸)

